

زنگ خطر بدرفتاری اجتماعی

ببینیم در آستانه انقلاب و در ابتدای پیروزی و در طول حیات آن تاکنون چه گفتیم و ادعا کردیم، اما چگونه رفتار کردیم؟! مثلاً در باب مردم‌سالاری، درخصوص عدالت اجتماعی و... اخلاق که در میان بزرگان رعایت نشود، در میان کودکان و مردم نیز به طریق اولی رعایت نمی‌شود.

به گزارش سایت خبری پرسون، مراد راهداری، دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی نوشت: رفتار از افکار و باورها برمی‌خیزد. رفتار ما گویای اندیشه و مرام ماست. مدت‌هاست که مشاهده می‌شود جمعیت کثیری از مردم در سنین مختلف توجه چندانی به اصول اخلاقی ندارند؛ مثلاً تا به ایستگاه اتوبوس می‌رسند، بدون توجه به حضور و نوبت دیگران، خودشان را به ابتدای صف می‌رسانند و صندلی را می‌ربایند! در ایستگاه‌ها از کارتخوان می‌گیرند! حتی در موسم حج تمتع در منا، بعضی تلاش می‌کنند تا زود به چادر و مکان استقرار رسیده و محل بهتر را تصاحب کنند، غافل از اینکه اساس این برنامه عبادی مهار نفس اماره است!

در کوچه و بازار بدون توجه به عبور و حضور خانم‌ها، تکیه‌کلام‌هایی میان بعضی آقایان ردوبدل می‌شود که شرم‌آور است و عادی شده و متأسفانه قبح آن ریخته است. اگر تصادفی با خودرو در شهر روی دهد، ابتدا از دو طرف یا یک طرف دشنام‌هایی زنده نثار می‌شود، آن‌گاه حادثه فرع می‌شود و متأثر از دشنام‌ها، نزاع و درگیری روی می‌دهد. در کلاس درس اخلاق میان استاد و شاگردی رعایت نمی‌شود! در محیط کار، اغلب حلال و حرام ساعات کارکرد مفید رعایت نمی‌شود.

در بعضی امور، بدون دریافت و پرداخت خارج از ضابطه، وظیفه کاری انجام نمی‌شود، فرضاً نه قضاوتی می‌شود و نه ساختمانی ساخته می‌شود! اشخاصی که ظاهری متدین دارند، گاه خلاف قانون و از دو جا در بخش عمومی حقوق تمام‌وقتی می‌گیرند! گاه بودجه بیت‌المال صرف رشد سازمانی افراد می‌شود! جالب است که خریدوفروش صندلی مدیریتی پدیده‌ای عادی شده است یا به منظوری معامله می‌شود و گاه دراین‌میان به افرادی غیرمتخصص و بی‌تجربه سپرده می‌شود و اخلاق اجتماعی از دو سو، واگذارکننده و گیرنده، زیر پا گذاشته می‌شود.

توسعه‌یافتگی به طور ریشه‌ای پدیده‌ای از پایین به بالاست، اگرچه از بالا بر پایین نیز تأثیرگذار است. اینکه در دنیای سیاست و اقتصاد آدم‌های سالم اغلب به حاشیه رانده می‌شوند و آدم‌های ناسالم با ابزارهایی که می‌یابند، گاه در متن قرار می‌گیرند. همانی که در اتوبوس کارت نمی‌زند، همان که خوب درس نمی‌خواند و در جلسه امتحان تقلب می‌کند، همان نیز وقتی با زدوبند رشد کرد، به راحتی آمار و وعده‌های دروغ می‌دهد و بیت‌المال را حیف و میل می‌کند.

چرا اخلاق عملی پدیده‌ای کم‌ارزش شده است! دو سالی که کلاس درس به دلیل مهار ویروس کرونا غیرحضوری شده است، شرکت در کلاس و امتحانات، علنی خریدوفروش می‌شود! سال‌های سال است که برای پایان‌نامه‌نوشتن و تهیه مقالات علمی، تبلیغ علنی و پیامک ارسال می‌شود و قبح آن ریخته شده است! فاجعه به سطوح بالاتر برای رسیدن به مرتبه استادی نیز رسیده است!

چرا خردورزی اجتماعی برای پاک‌سازی رفتارها نتیجه نداده است؟ چرا خانواده‌ها به این موضوع چندان حساس نیستند؟! برق‌دزدی در مناطق محروم و گرم، متأسفانه سال‌های بلندی است که در میان بسیاری از خانوارها رایج شده بود و گاه توجیه می‌شد؛ اما علم و تحقیق دزدی پدیده‌ای عجیب است! مثل معصیت بزرگ در حرمین شریفین است! این بدرفتاری در محافلی که نباید وارد شود نیز مشاهده می‌شود که اینجا محل شرح همه آن‌ها نیست.

باید علما، مسئولان عالی‌رتبه، معلمان، مادران و... موضوع را دریابند و طرحی نو دراندازند. بد اخلاقی فردی به سطح اجتماعی رسیده است. اندیشه آسیب خورده که رفتار آفت دیده است و معضلی در حیات اجتماعی شده است! اینک باید روان اجتماعی، اندیشه و باور اجتماعی مورد رسیدگی قرار گیرد و این ویروس مهار شود.

از تصور و تصدیق‌های اجتماعی رفتارهای اجتماعی شکل می‌گیرند. یک اعتراض اجتماعی نه به درستی انجام می‌شود و نه به درستی پاسخ داده می‌شود و نه حقیقتاً مهار می‌شود که هر دو خشونت افراطی می‌یابند! این میوه آفت‌زده در باغ ما، ناشی از چیست؟ چرا انواع اسباب تعلیم و تربیت ما جواب مناسب نداده است؟ آیا درصد این آفت‌ها به جمعیت ارزیابی شده است؟! طبیعی است که انحراف فرهنگی و اعتقادی در میان مردم، در سیاست و اقتصاد در حد درخور توجهی به سطوح بالا سرایت کند.

دیده‌ایم که به راحتی در مقابل مردم در سیما دروغ می‌گفتند. به دیگران نسبت اسراف بیت‌المال می‌دادند، اما خودشان با جمعیت حدود ۲۰۰ نفری با خانواده به آمریکا جهت شرکت در اجلاس سازمان ملل می‌رفتند، به تفریح و تفرج می‌رفتند و هزینه‌های بالایی بر بیت‌المال بار می‌کردند! وعده‌های دروغ در باب مسکن، بی‌کاری و تورم می‌دادند که در مدت کوتاهی مشکلات را حل خواهند کرد و به صورت افراطی در تربیون‌ها حمایت نیز می‌شدند! همان زمان یکی از علمای بزرگوار تذکر دادند که در اسلام اجازه نداریم به گوسفند علف نشان دهیم و او را به مسیری بکشانیم، اما ندهیم بخورد! چه رسد به انسان! این رفتار از ما چرا ساطع شده است و می‌شود؟!

ببینیم در آستانه انقلاب و در ابتدای پیروزی و در طول حیات آن تاکنون چه گفتیم و ادعا کردیم، اما چگونه رفتار کردیم؟! مثلاً در باب مردم‌سالاری،

درخصوص عدالت اجتماعی و... اخلاق که در میان بزرگان رعایت نشود، در میان کودکان و مردم نیز به طریق اولی رعایت نمی‌شود. گفتیم مردم، ولی نعمت ما هستند، اما نمی‌توانند نسبت به خطاهای ما اعتراض مؤثر کنند؛ مثلاً درباره رشد بهای بنزین اعتراض کنند! مردم را نباید برای رأی‌دادن در انتخابات شمارش کرد و بعد کنار گذاشت.

قانون اساسی، قواعد اجتماعی، آیین و اخلاق نظری خوبی داریم، اما نوع عمل به مفاد آن‌ها در میان ما مهجور و مغفول است. جمعیت را زیاد کنیم، اما نتوانیم تربیت کنیم، نتوانیم شغل مفید دهیم. چنانچه به معتادان، دزدان و به طور کلی بزهکاران اضافه کنیم، آیا به منابع انسانی افزوده‌ایم؟! می‌دانید چه اندازه معتاد داریم؟ می‌گویند حدود سه میلیون حرفه‌ای و همین مقدار تفننی! در واقع همه خانوارهای ایرانی به‌طور متوسط وابسته معتاد دارند و به نوعی درگیرند!

می‌دانید چه اندازه پرونده قضائی که گویای نابهنجاری‌هاست، هرساله در جامعه جاری می‌شود؟! چند سال پیش گفتند در یک سال ۱۷ میلیون را رسیدگی کرده‌اند! جامعه با این‌همه تعارضات به ناکجاآباد سیر خواهد کرد.

می‌دانیم منابع انسانی عامل توسعه هستند، آیا با این وضعیت می‌توان مسیر توسعه‌یافتگی را طی کرد؟! با محافل به‌ظاهر علمی، با معلمان، محصلان و دانشجویان متظاهر به علم نمی‌توان رشد کرد. با بداخلاقی و رفتارهای ناپسند نمی‌توان جامعه را ساخت. مطالعات علمی نشان می‌دهد امروزه نقش فناوری و علم در توسعه و رشد جوامع، بیش از ۷۰ درصد است.

نباید نقش نیروی محرکه را فقط به تعداد محدودی از مدارس و دانشگاه‌ها داد. آن جمعیت محدود در جمعیت نابالغ غالب، تحلیل می‌رود و حاصل کارش نابود می‌شود. فرهیختگان محیط زیست به کسانی که آن‌ها را درک کنند، کلام آن‌ها را بفهمند و همکاری کنند، نیاز دارند. فرهنگ رفتاری ما بر سیاست، دینداری و... فرضاً در حوزه اقتصاد اثرگذار است، بر شیوه تولید، حتی تولید نکردن یا دلالتی کردن، بر پس‌انداز کردن یا مصرف تجملی داشتن، دنبال ابتکار و نوآوری بودن یا کار تکراری کردن و سود مضاعف بردن و.... زیر راه‌پله تولیدکردن و تقلب‌کردن، در انباری مواد خوراکی مثل روغن سمی به خورد مردم دادن!

حدود صد خودرو تصادف طولی شدید می‌کنند و جمعیتی دچار تلفات و جراحات شدید می‌شوند و خودروهای تولید داخل جعبه محافظ هواپیش عمل نمی‌کند، پاسخ‌گویی نیز وجود ندارد و تنبیه نیز مشاهده نمی‌شود. این بدرفتاری‌ها متأسفانه عادی و پدیده‌ای رایج شده است! فرهنگ و سیاست، فرهنگ و اقتصاد، فرهنگ و دینداری و... امروز از شاخه‌های مهم مطالعاتی شده‌اند. چرا برای سیاست‌گذاری و درمان به این مطالعات نمی‌پردازیم؟!

چرا برخی مسئولان که باید در جامعه دینی الگو باشند، خود تعارض رفتاری دارند و اسوه حسنات نیستند؟! ویژه‌خواری (رانت‌خواری) و راه ۳۰ ساله را سه‌ساله رفتن، همان فرهنگ راهزنی سرگردنه است که به ارث رسیده و تا به امروز گرفتارش هستیم و نتوانسته‌ایم اصلاح فرهنگی فراگیر داشته باشیم. فرهنگ ایتار، فرهنگ زحمت و خلاقیت، نباید تحت‌الشعاع فرهنگ انحرافی قرار گیرد.

شهید مطهری در کتاب حق و باطل می‌فرمایند باطل خود را به شکل حق درمی‌آورد، مثل پول جعلی، تا به هدفش برسد! امروز عده‌ای جانماز آب می‌کشند، تظاهر به مظاهر دین و انقلاب می‌کنند، سپس تصدی امور را با رایزنی، وعده هماهنگ‌بودن و با هزینه‌کردن‌ها به دست می‌گیرند و بعد آن کار دیگر می‌کنند!

این فرهنگ رفتاری نابهنجار است که جوامع در حال توسعه را بیشتر به عقب می‌رانند؛ چون سرمایه‌های خوب انسانی را به حاشیه می‌کشاند و نوع ضعیف را به خدمت می‌گیرد که اصلاح و تغییر ایجاد نمی‌کند و از رفتار نامطلوب تبعیت می‌کند! این دست افراد، آدم‌های بزرگ -از نظر فکری- دور خود نمی‌آورند تا صندلی خود را به مخاطره نیندازند و تحت‌الشعاع توانایی آن‌ها قرار نگیرند! در نتیجه شاهد پیشرفت مورد انتظار نیستیم، مدیرپروری نیز نداریم و با قحط‌الرجال مواجه می‌شویم!

چه درصدی از استانداران یا وزرا و مدیرعامل‌های شرکت‌های بزرگ برای رضای خدا و خدمت به خلق خدا از آدم‌های قوی بهره جسته‌اند و معاون عالم و عامل گذاشته‌اند و از رشد آن‌ها نهراسیده‌اند؟ همان کسی که در صف اتوبوس درون‌شهری جلو می‌پرد، در امتحان تقلب می‌کند و مدرک‌گرا می‌شود و... او سبک زندگی سالم را می‌داند و به آن تظاهر می‌کند؛ اما عمل نمی‌کند! هم او در وزارت نفت یا در بانک و... نفوذ و رشد می‌کند، بعد اختلاس می‌کند و... آیا می‌دانید حجم اقتصاد زیرزمینی در اقتصاد ایران چقدر است؟

می‌دانید فقط قاچاق حدود ۲۰ میلیارد دلار است! خانوارها، معلم‌ها، مسئولان عالی‌رتبه و... باید با بیماری بدرفتاری در حال رشد و اجتماعی‌شده مبارزه کنند. فرهنگ‌سازی از درون خانه شروع و به مدارس، کوچه، بازار، مساجد و محیط کار تعمیم می‌یابد. البته اگر از مسائل و مصائب جامعه می‌گوییم، به مفهوم این نیست که خوبی‌ها رخت بر بسته است؛ بلکه قصد توجه به شیوع ویروس بیماری بدرفتاری داریم که اگر مهار نشود و جامعه تقویت نشود، جامعه مضمحل می‌شود.

توجه: مطلب مندرج صرفاً دیدگاه نویسنده است و رسانه پرسون در قبال آن هیچ موضعی ندارد.

منبع: شرق